

کدهای اخلاق حرفه‌ای در برنامه‌ریزی

بهزاد ملک‌پور اصل*، فرشته دستواره^۲

۱. استادیار، گروه برنامه‌ریزی و طراحی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
 ۲. دانشجوی دکتری گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(مروری)

(دریافت: ۹۹/۰۳/۱۹ پذیرش: ۹۹/۰۵/۱۵)

<http://dx.doi.org/10.52547/sdge.2.2.184>

چکیده

اخلاق کاربردی و به تبع آن اخلاق حرفه‌ای قلمروهایی هستند که از دهه‌ی ۱۹۹۰ به این سو مورد توجه صاحب‌نظران برنامه‌ریزی قرار گرفته‌اند. ادبیات مربوط به این قلمروها نظیر هر حوزه‌ی دیگری در عرصه‌ی تکاپوهای انسانی مدام در حال تطور است و به میانجی‌گفت و شنوهای مستمری که میان کنش‌گران مختلف در این عرصه در جریان است، ظرفیت‌ها و جنبه‌های تازه‌ای از ابعاد گوناگون و گسترده‌ی آن آشکار می‌شود. این گستردگی در برخی موارد با دشواری‌ها و احیاناً بدفهمی‌هایی در حوزه‌ی اخلاق حرفه‌ای برنامه‌ریزی همراه است و همین امر ضرورت دقت‌نظر و کنکاش در کدها و گزاره‌های نظری اخلاق حرفه‌ای و پیگیری این مباحث را موجب می‌شود. ردیابی کدهای اخلاقی مرتبط با زمینه‌های مختلف برنامه‌ریزی هدف اصلی این مقاله است و بدین منظور از دسته‌بندی، تم‌سازی، مقایسه و نتیجه‌گیری از داده‌ها برای کشف و توضیح کدهای اخلاقی مرتبط با زمینه‌های مختلف برنامه‌ریزی استفاده شده است. کدهای اخلاقی موضوع‌های مرتبط با دوراهی‌های اخلاقی در برنامه‌ریزی، زمینه‌ی مطرح شدن اخلاق مساله‌محور را به عنوان دستاورد مقاله و به عنوان یکی از رهیافت‌های مواجهه با این دوراهی‌ها موجب شده است. بحث آموزش اخلاقی برنامه‌ریزان نیز بر مبنای اخلاق مساله‌محور به عنوان یکی از راهکارهای عملیاتی مواجهه با موضوع‌های اخلاقی پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: اخلاق حرفه‌ای، اخلاق مساله‌محور، برنامه‌ریزی، کدهای اخلاقی.

مقدمه

در سال‌های اخیر تسلطِ پسا-اثبات‌باوری^۱ بر نظریه‌ی برنامه‌ریزی^۲، به درستی، بستر سیاسی، اجتماعی و اخلاقی این نظریه‌ها را پُررنگ کرده است. این تاثیر به میانجی رهیافت‌های مختلف، از جمله رهیافت‌های مشارکتی^۳، پسا-نوباوری^۴ و نو-عمل‌باوری^۵ چشم‌گیر بوده است. در این راستا برنامه‌ریزی را دارای تاریخچه‌ای از عمل و تفکر مرتبط با دو مکتب فکری نوباوری^۶ و اثبات-باوری^۷ دانسته‌اند (Almandinger, 2001, 2002). در حقیقت دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی اوج خوش‌بینی روش-شناسی‌های نوباوری بود که نشانه‌های آن را می‌توان در برنامه‌ریزی جامع-عقلانی^۸ و گسترش فنون و مدل‌های کمی^۹ برنامه‌ریزی مشاهده نمود که در آن موضوع اخلاق برنامه‌ریزی جایگاه روشنی نداشت. منظر نظریه‌ی برنامه‌ریزی از اواخر سده‌ی بیستم و در آغاز سده‌ی بیست و یکم میلادی آمیزه‌ای از دورنماهای نظری تحت تسلط پسا-اثبات‌باوری متاثر از هابرماس^{۱۰} است که بر نظریه‌پردازی برنامه‌ریزی و طرح موضوع اخلاق تاثیر زیادی گذاشته است (Faludi, 1987; Feldman, 1996; Fainstein, 2000; Allmendinger, 2001, 2002). این‌رو، در زمینه‌ی نظریه‌پردازی و عمل برنامه‌ریزی، تضاد میان اصول علمی و اخلاقی با منافع مورد توجه قرار گرفته است (Sanyal, 2002). پسا-اثبات‌باوری از این منظر، بخشی از دگرگونی بزرگ‌تری در فهم و حساسیت‌ها در نظریه‌ی اجتماعی و فلسفه‌ی علم بوده است که از چند جهت‌گیری متفاوت سرچشمه گرفته است. یکی از مهم‌ترین جهت‌گیری‌های یاد شده چالش‌هایی بود که از سوی فیلسوفان علوم طبیعی مانند کوهن^{۱۱}، پسا-نوباوران و پسا-ساختارباورانی مانند فوکو^{۱۲} و نظریه‌پردازان انتقادی مانند هابرماس و آدورنو^{۱۳} مطرح شد. این تغییرات دربردارنده‌ی انتقادی بر منطق اثبات‌باوری-پی‌جویی و کشف مجموعه‌ای از قواعد روش‌شناختی^{۱۴} یا اشکال استنتاجی عام و یکسان در ارتباط با علوم طبیعی و اجتماعی بود. با توجه به این تغییرات پسا-اثبات‌باوری در برنامه‌ریزی مسیرهای مختلفی را پیموده است. یک مسیر با تردید در مورد

پندارهای نوباوری^{۱۵} و در برابر پرسش نهادن شناخت-شناسی اثبات‌باور توسط جنبش پسا-نوباوری، قابل پیگیری است. مقصود اصلی پسا-نوباوری، عقلانی و اخلاقی کردن جنبش نوباوری بوده است (Allmendinger and Tewdwr-Jones, 2002; Gunder, 2006). مخالفان نوباوری، نقش سوءاستفاده از قدرت در کاربست برنامه-ریزی و بی‌توجهی به موضوع اخلاق و به بیانی دیگر جنبه‌های منفی برنامه‌ریزی نوباوری را آشکار نمودند. در واقع با تاکید بر موضوع اخلاق، شرح و تفصیل معیارهای هنجاری برای برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی اقدامات توسعه مطرح گردید و نیاز به فراتر رفتن از مرزهای انضباطی^{۱۶} برنامه‌ریزی جهت ایجاد خردی^{۱۷} مطابق با این دانش (اخلاق برنامه‌ریزی)، احساس شد (Goulet, 2006). اخلاق برنامه‌ریزی یکی از زیرمجموعه‌های اخلاق حرفه-ای است که خود این اخلاق نیز زیرمجموعه‌ی مجموعه-ی بزرگ‌تری به نام اخلاق کاربردی محسوب می‌شود^{۱۸}. اخلاق حرفه‌ای امروزه مورد توجه بسیاری از صاحب-نظران برنامه‌ریزی قرار گرفته است. ادبیات اخلاق حرفه-ای در برنامه‌ریزی نظیر عرصه‌های دیگر اخلاق کاربردی در حال تطور است و مدام جنبه‌های تازه‌ای از آن آشکار می‌گردد. اما بحث‌های مطرح شده در عرصه‌ی اخلاق حرفه‌ای در برنامه‌ریزی با ابهام‌های معنایی همراه است که ضرورت تدوین کدهای اخلاقی و بازبینی آن‌ها به فراخور نیازها و شرایط تغییریابنده را مطرح می‌کند. مسیر دوم برنامه‌ریزی پسا-اثبات‌باور، با انتقاد از تمامیت ساختارباوری، عنوان پسا-ساختارباوری و مسیر سوم، توجه دوباره به عمل‌باوری، عنوان نوع‌عمل‌باوری به خود گرفته است. اما با توجه به مسیر نخست، اخلاق برنامه‌ریزی به سطحی از پیچیدگی^{۱۹} رسیده است که به نظر می‌رسد چیزی کمتر از رشد نمایی^{۲۰} نیست. ادامه و همراهی با توسعه و تحولات نظری، حرفه‌ای و آموزشی در این زمینه نیز به طور فزاینده‌ای چالش برانگیز شده است (Campbell, 2012) که این مقاله با اختیار مسیر نخست در پی تاباندن نوری بر زمینه‌های مطرح شدن اخلاق در نظریه و کاربست^{۲۱} برنامه‌ریزی در ایران است. بدین منظور ابتدا روش‌شناسی پژوهش که مبتنی بر تحلیل مضمون متون مرتبط با اخلاق

برنامه‌ریزی و چرایی اختیار آن توضیح داده خواهد شد و بر این مبنا ردیابی کدهای اخلاقی در سطح و مقیاس- های مختلف آن در دستور کار مقاله قرار خواهد گرفت و در ادامه مبتنی بر رهیافت منتخب مقاله، راه کارهای برنامه‌ریزی مبتنی بر هنجارهای اخلاقی و زمینه‌مند که در این مقاله اخلاق مساله‌محور نامیده شده است ارائه خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اخلاق و علم اخلاق یعنی مجموعه دستورالعمل- هایی که امکان زیست اخلاقی را برای فرد و جامعه فراهم می‌آورند. در همه‌ی عرصه‌های حرفه‌ای هدف اصلی، حفظ اعتبار و کمک به بالا بردن کارایی آن است و تربیت افراد و کنش‌گرانی که به عنوان کنش‌گران اخلاقی محسوب می‌شوند، هدف پسینی محسوب می- شود. بنابراین کنش‌گری همچون برنامه‌ریزی که در یک نهاد برنامه‌ریزی فعال است باید آموزه‌های اخلاق حرفه- ای مربوط به آن نهاد را رعایت کند (پایا، ۱۳۹۵). بدین سبب از آن‌جایی که موضوع اخلاق و به‌ویژه اخلاق حرفه‌ای و هنجارهای رفتاری آن در زمینه‌های گوناگون برنامه‌ریزی به‌طور کلی و برنامه‌ریزی شهری به‌طور خاص و هدف‌های این حرفه با اهمیت جلوه می‌کند، در ادامه‌ی نوشته به‌طور فشرده به هر یک از این مفاهیم اشاره می‌شود. **اخلاق، هنجارهای رفتاری و اخلاق حرفه‌ای** برنامه‌ریزان شهری به مثابه‌ی جراحانی محتاط^{۲۲}، بیش از هر چیزی عهده‌دار عمل اجتماعی و شناخت در حوزه‌ی عمومی با هدف تامین منفعت

عامه^{۲۳} هستند. تصور انجام صحیح این مسئولیت ارزشمند، ذهنیت همگان را به سمت و سوی اخلاق در این حرفه و الزامات آن سوق می‌دهد. در این میان برخی از برنامه‌ریزان شهری بحث‌های اخلاقی را نسبتاً ساده می‌انگارند، این درحالی است که صحت فعالیت‌های روزمره آنان و بحث درباره محتوای اخلاقی^{۲۴} کاربست برنامه‌ریزی^{۲۵}، روش‌ها و سیاست‌های آن موضوعی بسیار با اهمیت است. در حقیقت، موضوع‌های اخلاقی در بیشتر تصمیم‌های برنامه‌ریزی وجود دارند و برنامه‌ریزان در بسیاری از موارد با این موضوع‌ها مواجه می‌شوند. "در واقع برای برنامه‌ریزان، اخلاق تعیین کننده مرزهای رفتاری قابل پذیرش است. به طوری که بدنه اخلاق حرفه‌ای را هنجارهای پذیرفته شده رفتاری^{۲۶} تشکیل می‌دهد. این هنجارها که برخی از آن‌ها توسط انجمن برنامه‌ریزان آمریکا^{۲۷} کدگذاری شده‌اند، به عنوان راهنما برای برنامه‌ریزان جهت وفادار ماندن به حرفه خود هستند"^{۲۸} (Howe and Kaufman, 1979). اما دغدغه‌ی اصلی در امر اخلاق در برنامه‌ریزی، نبود معیارهای مشخص در این حوزه از عمل و قضاوت است؛ چرا که عموماً برنامه‌ریزی در این زمینه به عنوان یک انتخاب میان تضادها تلقی می‌گردد و از این جهت سرشت آن ستیزه جوگر^{۲۹} جلوه می‌کند و در نتیجه برنامه‌ریزی با قضاوت اخلاقی سر و کار دارد. در این میان برخی از ارزش‌ها همچون موضوع «عدالت» می- تواند به عنوان معیار قضاوت اخلاقی عمل کند (Campbell, 2012). اخلاق در برنامه‌ریزی را می‌توان به چهار گروه متمایز طبقه‌بندی کرد (شکل ۱).



شکل ۱: چهار گروه متمایز اخلاق در برنامه‌ریزی

خصوصیات شخصی آن‌ها هستند و در زعم آنان به منزله‌ی راهی برای دستیابی به رفاه عمومی^{۳۳} است. گروه سوم به‌عنوان پیچیده‌ترین گروه، دربردارنده‌ی مفاهیم اخلاقی^{۳۴} مانند تعهد^{۳۵}، دانش و شایستگی^{۳۶}،

گروه نخست شامل مفاهیم اخلاقی مرتبط با شیوه- های دیوان‌سالاری^{۳۰} است. در دومین گروه، قضاوت‌های اخلاقی^{۳۱} برنامه‌ریزان در تدابیر اداری^{۳۲} و اختیارات تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند که متاثر از رفتار و

وفاداری^{۳۷} و غیره در روش‌ها و محتوای اخلاقی ضوابط و معیارهای موجود در برنامه‌ریزی است. برای مثال در زمینه مفاهیم اخلاقی مانند تعهد و فضیلت^{۳۸}، می‌توان به ویژگی‌های یک فرایند ایده‌آل تصمیم‌گیری توسط سیاست‌گذاران عمومی و تعهدات متضادی که تصمیم‌گیرندگان هنگام انتخاب‌های عملی با آن مواجه هستند، اشاره کرد. بدین لحاظ با وجود وظیفه‌شناسی‌های متناقض در عمل برنامه‌ریزی، مناسب‌ترین رویه‌ی تصمیم‌گیری آن است که کمال مطلوب را به حداکثر ممکن برساند (Wachs, 1985). آخرین گروه از مسائل اخلاقی به ملاحظات گزینه‌های اصلی سیاست‌گذاری^{۳۹} اشاره دارد. این موارد اصولاً اساسی‌ترین انتخاب‌های جامعه را نشان می‌دهند که برای برنامه‌ریزان، اغلب مبهم‌ترین و از لحاظ سیاسی جنجال برانگیزترین^{۴۰} مسائل هستند. به عنوان مثال انتخاب میان حفاظت از یک منطقه حساس محیط زیستی و فایده و کاربرد آن برای شهروندان، نمونه‌ای از انتخاب اخلاقی است که در ماهیت خط‌مشی و سیاست‌های مهم نفوذ می‌کند (Wachs, 1985). همچنین برنامه‌ریزان نقش‌های مختلفی را ایفا می‌کنند که در این شرایط هنجارها یا تجویزهای^{۴۱} مختلف اخلاقی شکل می‌گیرند و آنان اغلب در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که با خواسته‌های متناقض مواجه می‌شوند. برخی از رهنمودها موجب "نگهداشت سیستم^{۴۲}" و برخی "چالش برای سیستم^{۴۳}" هستند، اما اساس اخلاق حرفه‌ای در برنامه‌ریزی بر مبنای نگهداشت سیستم است که در این صورت کارایی^{۴۴}، هدفی نهایی برای اخلاق حرفه‌ای مدنظر قرار می‌گیرد. سایر رهنمودها نیز در بحث ساختار انتخاب اخلاقی^{۴۵}، بنیان‌های هنجاری^{۴۶} برنامه‌ریزی را در نظر می‌گیرند و تاثیرات هنجاری بر برنامه‌ریزان را در شرایط مختلف مورد بحث قرار می‌دهند. در واقع انتخاب اخلاقی در برنامه‌ریزی، به جای این که از هنجارهای ثابتی باشد، بیش‌تر به عنوان یک فرایند جستجو برای ارزش‌های هنجاری جدید توصیف می‌شود. در کاربست برنامه‌ریزی، دیدگاه‌های سیاسی، نگرش و تعلق سازمانی و توجه به ارزش‌ها در کار، در توضیح این‌که چرا برخی برنامه‌ریزان تفکر متفاوتی

درباره‌ی این‌که چه چیزی اخلاقی است دارند، بسیار مهم هستند. برنامه‌ریزان در بیشتر موارد دیدگاه اخلاقی متفاوتی دارند که این مورد از نقش آن‌ها نشأت می‌گیرد (شکل ۲). برنامه‌ریزانی که تمامیت فنی^{۴۷} خود را در کار حفظ می‌کنند عموماً نقش تک‌سین^{۴۸} را ایفا می‌نمایند. در واقع این برنامه‌ریزان رها از ارزش هستند که به واسطه‌ی کار برای تصمیم‌گیرندگان، در برابر عموم مردم مسئول هستند و برای اجرای توصیه‌ها و برنامه‌های "خوب" خود، به همان تصمیم‌گیرندگان وابسته هستند. گروه دوم برنامه‌ریزانی را شامل می‌شود که کنش‌گران سیاسی^{۴۹} هستند و به گونه آرمانی، متعدد به ارزش‌ها و در پی توجه به گروه‌ها و مسائل مرتبط با منافع عمومی هستند. برنامه‌ریز به منزله کنش‌گر سیاسی، در اجرای برنامه‌ها بیشتر مایل به کار فعالانه در سیستم سیاسی است. اما نقش یکپارچه و کاراتر، نقش سوم است که هر دو جنبه فنی و سیاسی را در بر می‌گیرد. این گروه ترکیبی‌ها^{۵۰} نامگذاری شده‌اند و در هر دو سنجه‌ی فنی و سیاسی سهم بالایی دارند، بنابراین تنش بین دو بعد نقش را بیشتر احساس می‌کنند و نیز می‌توانند شکاف میان این دو نقش را پر کنند. بدین سبب بحث اساسی در مورد نقش‌های برنامه‌ریزان، سوگیری آنان نسبت به نقش^{۵۱} در انتخاب-های اخلاقی است (Howe and Kaufman, 1979). اخیراً نقش دیگری برای برنامه‌ریزان با توجه به ویژگی-های آنها تعریف شده است که آن نقش را حرفه دوستان^{۵۲} در نظر گرفته‌اند. "برای این نوع از برنامه-ریزان، برنامه‌ریزی تنها یک شغل و حتی حمایت از دیگر مشاغل محسوب می‌شود که تصمیمات راهبردی در آن در درجه نخست جهت حفظ حرفه در نظر گرفته شده-اند. در واقع حرفه دوستان به تمامیت تخصص شان و قانونی بودن دستگاه حکومتی دموکراتیک و تصمیم‌گیری جمعی آن علاقه‌مند نیستند. تصمیمات راهبردی آن‌ها تنها براساس الزامات فنی عملکردشان در سیستم دیوان سالاری گرفته می‌شود. ملتزن (1976) این نوع از برنامه‌ریزان را تظاهرکنندگان^{۵۳} می‌نامد. (Lauria and Long, 2017) (شکل ۲).



شکل ۲: انواع نقش برنامه ریزان

دارد (Ploger, 2004). برنامه ریزان معمولاً نظریه‌ی کارآمدی برای دریافت راهنمایی جهت اتخاذ تصمیمات، انجام اقدامات و مواجهه با معضلات اخلاقی ندارند و بنابراین در مورد اخلاقی یا غیر اخلاقی بودن تصمیمات و اقدامات خود شک و تردید دارند (sanyal, 2002). در واقع به این دلیل است که نظریه برنامه ریزی همواره با شکاف شناخت شناسی^{۶۲} و نظری (اهداف و موضوع)، شکاف سیاسی و مجزا بودن آن از نظریه‌های فرایند توسعه‌ی اجتماعی- فضایی^{۶۳} و ارزش‌های آن و شکاف آمیزگری^{۶۴} (ترکیب رهیافت‌ها و وام گرفتن نظریه‌ها) مواجه بوده است (عبدی دانشپور، ۱۳۸۲). به طور کلی چون نقش برنامه ریزان، همکاری در کسب راهبردهای حافظ منافع مشترک^{۶۵} است (Ploger, 2004)، از اینرو "مسئولیت ویژه برنامه ریزان، برنامه ریزی برای گروه‌ها و افراد نیازمند و بی‌بهره است که باید به اصلاح سیاست‌ها، دیدگاه‌ها، نهادها و تصمیماتی که در تضاد با چنین نیازهایی است، پردازند. در واقع آنان ملزم به ایجاد و گسترش فرصت و انتخاب برای همه افراد هستند" (Marcuse, 2014). البته این مسئولیت هم بر مبنای نقش و هم بر مبنای نوع گفتمان سیاسی برنامه ریز متغیر است. اما تمامی این وظایف که برای برنامه ریزان از منظرهای متعددی تعریف شده‌اند به چگونگی نقش آفرینی و ارتباط برنامه ریز با نظام برنامه ریزی بستگی دارد. برنامه ریز شهری به دلیل میان رشته‌ای بودن تخصصش، ملزم به کسب تجربه و فعالیت در درون نظام‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و سایر آن‌ها است، عموماً به عنوان نوعی کنش گر یا کارگذار با نظام‌های مختلف کنش در تماس است. بدین

"اخلاق حرفه‌ای که زیر مجموعه‌ای از اخلاق کاربردی است، قلمرویی است که در چند دهه اخیر مورد توجه فراوان قرار گرفته است" (پایا، ۱۳۹۵). در این حوزه از اخلاق درباره جنبه‌های خاص اخلاقی مربوط به یک حرفه خاص بحث می‌شود. همچنین در این زمینه از یافته‌های نظریه اخلاق بهره فراوان گرفته می‌شود. (پایا، ۱۳۹۵) "اخلاق حرفه‌ای^{۵۴} در برنامه ریزی را می‌توان از دو دیدگاه مورد بررسی قرار داد. اولین دیدگاه بر ارزش اجتماعی^{۵۵} حرفه برنامه ریزی^{۵۶}، حرفه- ای شدن آن و بررسی اینکه چگونه اخلاق حرفه‌ای بر رفتار برنامه ریزان در عمل^{۵۷} اشاره دارد. دیدگاه دوم نیز ارزش اجتماعی برنامه ریزی را مورد سوال قرار می‌دهد و بر اخلاق حرفه‌ای در بستری گسترده‌تر می‌نگرد" (Marcuse, 1976). اخلاق حرفه‌ای می‌تواند از نقش فعلی خدمت به کارسپار^{۵۸} به منظور تحلیل اثرات واقعی سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که مسائل اخلاقی در آن‌ها در حال وقوع است، فراتر رود. بنابراین اخلاق حرفه‌ای می‌تواند به موضوع قدرت و انجام اقداماتی برای ترویج ارزش‌هایی مانند برابری^{۵۹}، دموکراسی^{۶۰} و روابط جدید قدرت^{۶۱} پردازد (Sadri, 2012).

کنکاش در کدهای اخلاق حرفه‌ای در برنامه ریزی

نظریه‌ی برنامه ریزی به عنوان راهنمای برنامه ریزان در حرفه، به‌طور خاص به موضوع‌های هنجاری مربوط به برنامه ریزی مانند "بهتر یا بدتر"، "مفاهیم" خوب یا بد"، "درست یا نادرست" و پیامدهای انسانی برنامه ریزی، برای نمونه اگر برنامه ریزی "آسیب می‌رساند"، باعث "رنج عمومی" یا "خشم" می‌شود، توجه کم‌تری

گرم است که صبغه‌ی عاطفی، انتشاری و جمع‌گرا دارد. افرادی که ذخایر ارزشمند بیش‌تری داشته باشند، رفتارهای دگرخواهانه و ایثارگرانه دارند. در نظام اجتماعی زمینه برای گسترش خیر عمومی، تعهدات عمومی و مودت اجتماعی فراهم می‌شود. زمانی که روابط اجتماعی در ابعاد مختلف معرفتی (آموزش)، مادی (اقتصادی)، عاطفی (همدردی) و منزلتی (کرامت انسانی) بیشتر باشد، به همان اندازه محرومیت و انفعال اجتماعی کاهش می‌یابد (چلبی، ۱۳۷۵؛ نقدی، ۱۳۹۴). بدین ترتیب با توجه به اهمیت و نقش مهم اخلاق در درون خرده نظام‌های اجتماعی و فرهنگی، برای تبیین بحث اخلاق و قواعد ارزشی و هنجاری آن در این نوشته، اخلاق به سه گروه اخلاق توسعه، اخلاق کار پرورستانی و اخلاق کار (چلبی) تقسیم‌بندی می‌شود. اخلاق توسعه، ارزیابی هنجاری یا اخلاقی اهداف و ابزارهای توسعه در مقیاس‌های گوناگون است که هدف اصلی آن انسانی-اخلاقی کردن تصمیمات و اقدامات مربوط به توسعه و برنامه‌های مرتبط با آن است (مومنی، ۱۳۸۵). در حقیقت در اخلاق توسعه شرایط عام دستیابی به توسعه اخلاقی از سه مسیر می‌گذرد. مسیر نخست، وجود برنامه مدون با ارزش‌های عینی و مشخص در نظام تعلیم و تربیت رسمی است. دومین مسیر، تقویت ملاک تلاش در توزیع منابع است. سومین مسیر، از ترکیب عاطفی سه شرط لازم به کارگیری ملاک شایستگی در توزیع منابع؛ محترم دانستن سلسله مراتب و کمینه سازی وفاداری سیاسی در نظام تعلیم و تربیت رسمی برخوردار بوده است. در این میان جوامعی که توانسته‌اند اجتماع سازمانی را در سطح سیستم تقویت کنند، در تعمیم تعهد اعیان اجتماعی و تحقق این سه مسیر موفق‌تر بوده‌اند (نقدی، ۱۳۹۴). همچنین در اخلاق توسعه، ارزش‌ها اساس رفتار آدمی تلقی می‌گردند. تغییرات اجتماعی، تعیین اولویت‌ها و هنجارهای مرتبط با آن، ارائه تعریف و خوانشی اخلاقی از موضوع‌های مربوط به توسعه و در نهایت ارزش‌های فرهنگی و سنتی مسیر دستیابی به توسعه‌ای اخلاقی را هموار می‌نمایند. دنیس گولت نظریه‌پرداز اخلاق توسعه بیان می‌کند که استراتژی‌های اخلاق توسعه بدون مشارکت^{۶۶}، غیر

لحاظ شناخت و واکاوی نظام‌های کنش برنامه‌ریز امری ضروری برای آگاهی از چگونگی نقش‌آفرینی برنامه‌ریز در حرفه‌اش است. واحد کنش یا واحد عمل در حقیقت کوچک‌ترین واحد یک نظام کنش است. این واحد شامل تمامی کنش‌گرانی است که دارای اهداف و مقاصد هستند. این کنش‌گران در انتخاب وسایل و مقاصد خود آزادی تام ندارند. محیط کنش نیز ارزش‌ها و هنجارهایی دارد که تعیین‌کننده‌ی مسیر برای کنش‌گران است. همچنین واحد کنش، خرده نظام‌های شخصیت، اجتماعی، فرهنگی و رفتاری را در بر می‌گیرد. بنابراین در این خرده نظام‌های واحد کنش، برنامه‌ریز به شکل یک کارگذار و با عمل خود، موجب ساختارهایی خرده نظام‌ها می‌شود. طبق دیدگاه گیدنز نوعی رابطه‌ی متقابل دیالکتیکی و دوگانه میان کارگذار و ساختار خرده نظام‌ها وجود دارد، به عبارتی ساختار و کارگذار را نمی‌توان جدا از هم تصور کرد. آن‌ها دو روی یک سکه و پدیده‌های دوگانه هستند. از نظر وی هر کنش اجتماعی در برگیرنده ساختاری در خرده نظام‌ها است و هر ساختاری به کنش اجتماعی نیاز دارد. بدین لحاظ کنش‌گر، کارگذار و ساختار خرده نظام‌ها، به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر، در فعالیت روزمره در یک‌دیگر تنیده شده‌اند (ادریسی و همکاران، ۱۳۹۰). در این میان، خرده نظام‌های اجتماعی و فرهنگی تاثیر فراوانی بر کنش دارند؛ نظام اجتماعی شامل مجموعه‌ی شبکه‌ی کنش‌گران است که اخلاق به عنوان جز اصلی این نظام محسوب می‌شود و مبتنی بر اصول، وظایف و مجموعه-ای از قواعد ارزشی و هنجاری است. نظام فرهنگی نیز شامل باورها، ارزش‌ها و هنجارها است. بنابراین با توجه به کنش در درون این دو خرده نظام و ویژگی‌های آن، اخلاق دو بعد بسیار مهم اجتماعی و فرهنگی را در برمی‌گیرد. بعد فرهنگی اخلاق همان اخلاق نظری و شامل مجموعه‌ای آرمان‌ها و ارزش‌های اخلاق است که ریشه در فرهنگ جامعه دارند. در واقع در خرده نظام فرهنگی معیارها و هنجارهای اخلاقی مطرح می‌شوند. بعد اجتماعی اخلاق نیز همان اخلاق عملی و احساس مسئولیت بر مبنای فرمان‌های اخلاقی در برابر دیگری است. در این خرده نظام، روابط از نوع تعاملی و مبادله‌ای

دموکراتیک و بی نتیجه خواهد بود. وی اصول اخلاق توسعه را مبنایی برای تمدن می‌داند که ویژگی‌های آن برتری طبیعت و غلبه بر خودخواهی است. بنابر موارد مطرح شده، مشارکت و احترام به طبیعت، مثال‌هایی از ارزش‌های اخلاق توسعه هستند (Goulet, 2006). به طور کلی به دلیل اینکه بحث توسعه در الگوهای نوین برنامه‌ریزی و در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. از طرفی تاکید بر ارزش‌های رایج اخلاقی در توسعه، بر بود و نبود فساد و صداقت در روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نیز حرفه‌ای تاثیر می‌گذارد که ارزش‌ها نیز از کنش‌ها و واکنش‌های متعدد تاثیر می‌پذیرند. بدین سان با تصریح ارزش‌ها در روابط حرفه‌ای و نیز ارزش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، می‌توان معیارها و هنجارهای اخلاقی برنامه‌ریزی شهری را که در نهایت نیل به توسعه در ابعاد گوناگون را هدف قرار گرفته است، مشخص کرد. بسیاری اندیشمندان توسعه بر این باورند که آیین پروتستان، اخلاقیات و اصول آن بر توسعه غرب اثرگذار بوده که از طریق آن می‌توان تأثیر مذهب و باورهای اخلاقی آن را بر زندگی اقتصادی و اجتماعی در فرهنگ‌های مختلف را مشاهده کرد. اخلاق پروتستانی کار را ارزش و منبعی برای سعادت و رستگاری انسان، ریسک‌پذیری برای تغییر سرنوشت، برنامه‌ریزی برای آینده و صرفه‌جویی را به عنوان نیرویی مؤثر در توسعه قلمداد نموده است. این خصیصه موجب می‌شود که فرد احساس مسئولیت نموده و در نهایت دقت و کارایی وظایف کاری و شغلی خود را انجام دهد. (شریف زاده و عبدالله زاده، ۱۳۹۵)

در این زمینه بر ارزش‌های ریاضت‌کشانه پروتستانتیسم مانند خویشتن‌داری کف‌نفس^{۶۷}، کار سخت، استفاده صحیح از زمان (وقت‌شناسی)، کسب منافع فردی، صداقت، نوآوری و خلاقیت و غیره اشاره می‌شود (Harold and Jones, 1997). باورهای اخلاق کار پروتستانی^{۶۸} (PWE) بر آموزش، باورهای اقتصادی محافظه‌کارانه، نمونه باورهای کنترلی و به تعویق انداختن لذت و خوشی استوار است (Furnham, 1987). به طور خلاصه اخلاقیات پروتستانتیسم ریاضت‌کشانه، در طول تاریخ مبنایی برای تکامل سرمایه‌داری و کسب

با قاعده منفعت از طریق مبادله اقتصادی به ظاهر مسالمت‌آمیز بوده است. ریاضت‌کشی عقلانی پروتستان با قدرت علیه التذاذ خودانگیخته از دارایی عمل می‌کرد و مصرف به‌ویژه مصرف تجملات را محدود می‌نمود. تاثیر روانشناختی آن نیز آزاد ساختن مال جویی از نواهی اخلاقیات سنت‌گرا بود. در واقع ریاضت در اخلاق پروتستانی به معنای ایجاد سرمایه از طریق پس‌انداز تعبیر می‌شود. همچنین داشتن تعهد نسبت به تکلیف و حرفه، بنیان اصلی چنین اخلاقی است (وبر، ۱۳۸۵). اخلاق کار نیز به معرفی ابعاد بسیار متنوع و پیچیده کار با استفاده از چارچوب اجیل پارسونز می‌پردازد که از نظر مفهومی برای کار چهار بُعد اصلی متصور شده و برای هر بُعد اصلی نیز چهار وجه در نظر گرفته است. چهار بُعد اصلی کار عبارت‌اند از بُعد اثباتی، بُعد شخصیتی، بُعد اجتماعی و بُعد فرهنگی کار. (چلبی، ۱۳۸۹) منظومه عناصر عمده کار در قالب اجیل بیانگر این نکته است که کم و کیف کار، مشروط به چهار عامل اساسی در ابعاد چهارگانه زیر است.

بُعد اثباتی کار: در بُعد اثباتی کار، کنش‌گر در برخورد اثباتی با محیط با صرف انرژی یدی و فکری (فعالیت کاری) در ارتباط با دیگران موضوع کار را آنچنان تغییر می‌دهد تا وضعیت مطلوب (محصول کار) جهت رفع نیاز حاصل شود. بنابراین حداقل می‌توان چهار وجه برای بُعد اثباتی کار قائل شد که عبارت‌اند از: موضوع کار، فعالیت کاری، شرایط کار، کیفیت کار. کار در بُعد اثباتی بر اصل بهینه‌سازی مبتنی است (چلبی، ۱۳۹۴).

بُعد شخصیتی کار: فرد انسانی در چارچوب ساخت اجتماعی و از طریق فرایند جامعه‌پذیری نظام شخصیت خود را کسب می‌نماید تا بتواند در امور مختلف اجتماعی شرکت کند و یکی از این امور اجتماعی مهم، کار در جامعه است. بنابراین در این مورد نیز می‌توان چهار جنبه شخصیتی عمده برای کار قائل شد که عبارت‌اند از مهارت کاری، انگیزه کاری و هویت کاری که شامل هویت فردی و هویت جمعی در کار است. کار در بُعد شخصیتی مبتنی بر اصل تحقق است. تحقق کار

مختلف است (Maguire and Delahunt, 2017). بنابراین دلیل انتخاب روش کیفی این است که ردیابی کدهای اخلاقی در سطح و مقیاس‌های مختلف برنامه‌ریزی نیازمند دسته‌بندی، تم‌سازی، مقایسه و نتیجه‌گیری از داده‌ها برای کشف و توضیح کدهای اخلاقی مرتبط با زمینه‌های مختلف برنامه‌ریزی است. بدین سبب روش پژوهش کیفی شیوه‌ای فراخور موضوع و هدف این نوشته است و یکی از انواع آن که فن تحلیل مضمون^{۷۰} است، در این مقاله به کار برده خواهد شد. تحلیل مضمون نوعی تجزیه و تحلیل موضوعی و نیز فرایند شناسایی الگوها یا مضامین در داده‌های کیفی است. همچنین تحلیل مضمون مستقل از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی است که از طیف گسترده‌ای از روش‌های نظری می‌توان در آن استفاده کرد. تحلیل قالب مضامین^{۷۱}، تحلیل شبکه مضامین^{۷۲}، ماتریس مضامین^{۷۳} و تحلیل مقایسه‌ای^{۷۴} نیز از انواع ابزارهای کاربردی در تحلیل مضمون هستند که در اینجا با توجه به اینکه مضامین در بین منابع و افراد مختلف بررسی و تطبیق داده می‌شوند، روش تحلیل مقایسه‌ای به کار برده خواهد شد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). روش تحلیل مقایسه‌ای از آن‌جا که سعی دارد مجموعه‌ای از علل را که با همدیگر در پیدایش یک پدیده موثر هستند هم‌زمان مورد بررسی قرار دهد، در این پژوهش به کار گرفته شده است. این روش در پی آن است که پژوهش را از نگاه تک بعدی به موضوع اخلاق حرفه‌ای خارج کند و سویه چندبعدی و چندعلتی بدان بخشد. از این‌رو پس از متن‌خوانی و تفحص در منابع و اطلاعات موجود، به تحلیل مضمون توصیفی و تفسیری پرداخته شده که دارای قابلیت مشاهده مضامین در متن هم به صورت مکنون و هم مشهود است. در واقع با تاکید بر مضامین پایه^{۷۵}، نقش مضمون در تحلیل نقشی کلیدی و مبین نکته‌ای مهم و برجسته در متن است که با ترکیب آن‌ها، مضمون سازمان دهنده ایجاد می‌شود. بدین سان پس از طی فرایند تحلیل مضمون (آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جستجوی مضمون‌ها، بازبینی مضمون‌ها، تفسیر، تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها) در منابع و اطلاعات کتابخانه‌ای

و کم و کیف آن به نظام شخصیتی نیز بستگی دارد (چلبی، ۱۳۹۴).

بُعد اجتماعی کار: به همین سیاق برای بُعد اجتماعی کار نیز می‌توان چهار وجه اصلی در نظر گرفت که عبارت‌اند از روابط کاری، ضمانت اجرای کار، هنجارهای کار و تعهدات کاری. کار در بُعد اجتماعی بر اصل سازگاری مبتنی است. نظم و انضباط اجتماعی کار منوط به کم و کیف روابط کاری، ضمانت اجرای کار، هنجارهای کار و از همه مهم‌تر تعهد کار است، چرا که از آنجایی که تعهد کار بُعد عملی اخلاق کار را شکل می‌دهد، بیشترین اثر تنظیمی را بر کار دارد (چلبی، ۱۳۹۴).

بُعد فرهنگی کار: این بُعد کار به معنای نگاه فرهنگی به ماهیت کار از بالاترین منظر یعنی فرجام شناسی فرهنگی کار است. طرح نظری غایت شناسی فرهنگی کار ایجاب می‌کند که به ماهیت و معنای کار و ابعاد آن توجه شود. در بُعد فیزیکی کار حاوی نوعی فعالیت است. در بُعد زیستی کار مستلزم نوعی تخصیص انرژی فکری و یا انرژی جسمانی است. همچنین در کار به طور ضمنی یا صریح نوعی تکلیف و ادعا نهفته است که به صورت تجریدی و بالقوه حائز نوعی هدف غایی است (چلبی، ۱۳۹۴). فرهنگی که برای کار ارزشی والا قائل باشد، فعالیت کاری را ناشی از حرص و آز نمی‌داند بلکه آن را ذاتا خیر می‌داند و به عنوان یک ارزش ماهوی تلقی می‌کند و برای فاعل کار نیز فی نفسه فضیلت اجتماعی قائل می‌شود (چلبی، ۱۳۸۹).

مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر از لحاظ هدف که «ردیابی کدهای اخلاقی مرتبط با زمینه‌های مختلف برنامه‌ریزی» است، بنیادی و با توجه به روش منتخب تحلیل مضمون، از نوع پژوهش کیفی است. روش کیفی به تبیین استقرایی و کشف داده‌های ذهنی^{۶۹} می‌پردازد که ماهیت آن تفسیری است. (خداوردی، ۱۳۸۷) در حقیقت پژوهش کیفی در جستجوی درک، توصیف و تفسیر تجارب و ادراکات جهت کشف معانی خاص در زمینه‌ها و شرایط

این است که تعداد کدهای اخلاقی بسیار زیاد و نیز تفسیرها درباره آن‌ها متفاوت، گسترده و دوجنبه‌ای است (جدول ۱).

بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی درباره‌ی موضوع اخلاق و کدهای اخلاقی هم‌رایی وجود ندارد اما براساس جدول بالا و آن چه در سطور پیشین بیان شد می‌توان گزاره‌های زیر را مورد توجه قرار داد:

نخست: سر و کار اخلاق و کدهای حرفه‌ای با "مسایل" و "دوراهی‌ها"^{۹۵} است یعنی با اوضاعی درگیر است که مشکل می‌توان فهمید چه باید کرد؛

دوم: یکی از سودمندی‌های کدهای اخلاقی در این است که برای کسی که در دوراهی‌های اخلاقی واقع شده و در جستجوی دلیل عقلانی برای تصمیمی است که باید بگیرد، مفید افتد، بنابراین اخلاق در پی یافتن چنین دلایلی است و اغلب تصور بر آن است که قوانین و اصول اخلاقی از این دلایل بدست می‌آیند؛

سوم: کدهای اخلاقی موضوع‌های مرتبط با دوراهی‌های اخلاقی را به سمت اخلاق مساله‌محور^{۹۶} سوق می‌دهد؛

سنت‌های دیرپا درباره‌ی اخلاق - از ارسطو و افلاطون تا هیوم و هگل - در تعارض با اخلاق مساله‌محور قرار دارند (Edmund, 2004). این مشرب فکری در حوزه‌ی اخلاق، با اتخاذ تصمیم‌های پیچیده‌ی خاص سروکار دارد و در پی ارائه‌ی دلایل و توجیهاتی ویژه درباره‌ی انتخاب‌های یاد شده و چرایی اتخاذ تاکتیک‌های مختلف از سوی کنش‌گر - که می‌تواند برنامه‌ریزی هم باشد - است. سنت‌های دیرپا برخلاف اخلاق مساله‌محور به آن اندازه که به روشنگری و تعلیم و تربیت اخلاقی و یا سعادت بشری پرداخته‌اند، به تبیین و ارائه‌ی راه‌حل برای موقعیت‌های مساله‌آفرین^{۹۷} نپرداخته‌اند. به عنوان نمونه ارسطو بخش عمده‌ای از کتاب اخلاق نیکوماخوس را به بهترین نوع زندگی فردی و ویژگی‌های منشی اختصاص داده است (Edmund, 2004; Upton, 2002). به‌طور کلی برنامه‌ریزی زندگی انسانی در اولویت توجه ارسطو بوده و با اختیار دیدگاهی وسیع درباره‌ی اخلاق، چگونگی زیست در مقابل چگونگی مواجهه با مسایل

مرتبط با موضوع نوشته، کدهای اصلی و مرتبط با یکدیگر تلفیق و ترکیب شده‌اند که به منزله‌ی مضامین پایه و کدهای ردیابی شده پژوهش در نظر گرفته شده - اند (جدول ۱).

یافته‌های پژوهش

در نهایت با توجه به موارد مطرح شده می‌توان گفت که دستورالعمل‌ها، رفتار حرفه‌ای و کدهای اخلاقی حاصل از آن‌ها، انتظاراتی که از برنامه‌ریزان وجود دارد را توصیف می‌کنند و حاوی استانداردهای رفتاری و ارزش‌ها هستند. برای نمونه ارزش‌هایی همچون مسئولیت^{۷۶}، تکریم^{۷۷}، انصاف^{۷۸} و صداقت^{۷۹}. علاوه بر این آن‌ها بر آرمان‌های حرفه و رفتارهای مورد انتظار در نقش‌های داوطلبانه و حرفه‌ای تاکید می‌کنند. بدین سان، اعتبار^{۸۰} حرفه و برنامه‌های اجرایی و مدیریتی آن نیز توسط رفتار جمعی تک تک برنامه‌ریزان ایجاد می‌شود (PMI). امروزه کدهای اخلاق حرفه‌ای^{۸۱} قویا بر مسئولیت‌های شخصی متخصصان به جای سازوکارهای حرفه و مشکلات اخلاقی در این سازوکارها تمرکز می‌کنند. در حقیقت کدهای اخلاقی ثابت می‌کنند که حرفه متعهد به شیوه‌های برتر رفتاری و تلاش برای تقویت بازار حرفه است (Sadri, 2012). بنابراین از آن - جایی که ملاحظات اخلاقی برای بسیاری از جنبه‌های برنامه‌ریزی ضروری هستند، اما شالوده تصمیم‌های اخلاقی برنامه‌ریزان به خوبی تعریف نشده است (Lauria and Long, 2017)، در ادامه این نوشته برای درک بهتر کدهای اخلاقی برنامه‌ریزان شهری به ارائه و بررسی تعدادی از هنجارها یا تجویزهای اخلاقی^{۸۲} که به عنوان کدهای اخلاقی و راهنما برای برنامه‌ریزان شناخته شده و در سطح و مقیاس‌های مختلف با استفاده از روش تحلیل مضمون ردیابی شده‌اند، پرداخته می‌شود. در حقیقت، با مطالعه متون و ایجاد کدهای اولیه و دسته‌بندی آن‌ها از دیدگاه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فنی و فلسفه‌ی اخلاق (مصادق دیگر آن دیگر - دوستی) و نیز سایر دیدگاه‌ها، به جستجوی مضمون‌ها، بازبینی و در نهایت تفسیر و نام‌گذاری آن‌ها اقدام شده است. البته موضوع مورد توجه در این زمینه

اخلاقی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. بنابراین اگر ارسطو با یک مساله اخلاقی روبرو شود حق دارد تا پیش‌فرض‌های بسیاری که با تربیت و معرفت افراد ارتباط دارد مدنظر قرار دهد، اما اگر ما از زاویه‌ی دید خودمان بنگریم، از رویارو کردن ارسطو با یک مساله‌ی پیچیده‌ی اخلاقی موقعیت‌مند، تصویری مبهم و ناشفاف خواهیم داشت؛ زیرا نوع مسایلی که عامل‌های اخلاقی معتدل ارسطو معمولاً با آن مواجهند خیلی با آن چه هر کس -معتدل و نامعتدل- باید در اوضاع و احوال خاص انجام دهد، مرتبط نیست، بل بیشتر به این مربوطند که چگونه می‌توان از افتادن در دام‌هایی که در سر راه افراد ناآگاه قرار می‌گیرد و آن‌ها را دچار نوعی شخصیت نامطلوب می‌کند، اجتناب کرد (Edmund, 2004). هنگامی که ارسطو درباره‌ی تدبیر اخلاقی بحث می‌کند در پی یافتن دلایلی برای حل مسایل اخلاقی نیست، بلکه می‌خواهد تعیین کند ما چه زمانی مسئولیت را بر عهده می‌گیریم و این که چه مرزی مابین عقل عملی و نظری وجود دارد. اخلاق مساله‌محور با تغییر ساختار اجتماعی جوامع نیز سروکار دارد. این نوع از مکتب فکری، غایت‌نهایی اخلاق را رفع معضلات می‌داند. برخی (Hendler, 1995; Low and Gleeson 1997) بر این باورند عصری که در آن زندگی می‌کنیم به نحوی ذاتاً با هر شکلی از اخلاق به جز اخلاق مساله‌محور معارضه می‌کند که از این لحاظ، زمان ما با دوران گذشته که کم‌تر دچار این معضلات بود تفاوت می‌کند. تغییرات اجتماعی و صنعتی گسترده و هجوم آن‌ها به زندگی روزمره به شکل غیرقابل پیش‌بینی و وسیع، چگونگی تصمیم گرفتن را ضروری ساخته و هم‌گام با تغییرات یاد شده کشف ساختار یک تصمیم خوب را در دستور کار کنش‌گران و هم‌چنین برنامه‌ریزان قرار داده است. در واقع مکتب‌های سنتی اخلاق، ثبات اجتماعی را پیش‌فرض گرفته‌اند و این در حالی است جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم و برنامه‌ریزان با آن سروکار دارند جهانی بی‌ثبات و آکنده از نامعلومی‌ها و عدم قطعیت- هاست که نیازمند توجه به کدهای اخلاقی متناسب با زمان و موقعیت است و این همان خط اصلی تفکر اخلاق مساله‌محور است (Klosterman, 2007; Edmund,)

2004). به عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از بحث کدهای اخلاقی حرفه‌ای در عرصه‌ی برنامه‌ریزی، می‌توان به بحث آموزش اخلاقی برنامه‌ریزان بر مبنای اخلاق مساله‌محور اشاره کرد. برنامه‌ریزان از مساله-محوران چه خواهند آموخت؟ چگونگی تصمیم گرفتن مهم‌ترین موضوعی است که باید به برنامه‌ریزان آموخت و براساس یک تقریر عامیانه و رایج از مساله‌محوری، باید به گونه‌ای مطلوب، مجموعه‌ای از اصول ثابت اخلاقی را که ممکن است در اوضاع و احوال متفاوت به کار آید به آن‌ها آموزش داد. اصول اخلاقی مورد بحث باید دستوراتی باشند که از قابلیت فراگیر شدن برخوردار بوده و بتوانند برای هر کسی که در شرایط مشابه قرار می‌گیرد به کار آیند. البته ذکر این نکته الزامی است که اخلاق مساله‌محور نیازمند القا و آموزش فضایل منشی است و در واقع برنامه‌ریزان با منش اخلاقی خوب می‌توانند از عهده‌ی شرایط مشکل پیش‌آمده برآیند و در مورد مشکلاتی که پیش‌بینی نکرده‌اند، اندیشه کنند، اما برای خوب اندیشیدن، پیش‌تر باید به بلوغ منش اخلاقی رسیده باشد و دارای فضایی از قبیل وفاداری، عدالت و صداقت باشد. بنابر آن چه گفته شد کدهای اخلاقی در عرصه‌ی برنامه‌ریزی در درون مکتب فکری اخلاق مساله‌محور قرار می‌گیرد و به کارگیری آن دارای اصول و پیش‌شرط‌هایی است که در ادامه به‌طور فشرده بدان‌ها اشاره می‌شود:

- اخلاق مساله‌محور برخلاف مکتب‌هایی هم‌چون پیامدگرایی، قراردادی‌گرایی و وظیفه‌گرایی، شأن اخلاق را حل مسایل و معضلات اجتماعی می‌داند و در این مسیر بر پشتوانه‌ی فضایل منش فردی نیز تاکید دارد، اما محور اصلی توجه قابلیت به کارگیری اصول اخلاقی در موقعیت‌ها و دوره‌های اخلاقی است که برنامه‌ریزان در فرآیند برنامه‌ریزی با آن مواجه هستند؛

- اخلاق مساله‌محور با جهان اجتماعی پیچیده و مملو از نامعلومی‌ها سر و کار دارد و فاصله‌گذاری جدی بین حقوق و اخلاق قایل است و خصوصیات فردی و شخصی افراد را در نحوه‌ی مواجهه با موقعیت‌های اخلاقی مهم می‌داند؛ موضوعی که در حقوق نادیده گرفته می‌شود؛

همان اندازه که برای یک «غیرمساله‌محور» مهم است برای یک مساله‌محور هم اهمیت دارد. اما انتظار می‌رود احکام اخلاقی مورد بحث به همان میزان که در مورد معیارهای آرمانی هستند، به وظایف و الزاماتی که بر هر برنامه‌ریزی فرض است نیز بپردازند.

-هدف غایی اخلاق مساله‌محور در برنامه‌ریزی رفع اوضاع و احوال مساله‌آفرینی است که به آن‌ها دچار شده‌ایم، البته نوع مشکلات در فلسفه‌ی عملی است نه فلسفی نظری؛

-موضوع‌های مربوط به ساختار منطقی «احکام اخلاقی» -برآمده از کدهای اخلاقی در برنامه‌ریزی- به

جدول ۱: گزاره‌ها و کدهای استخراج شده از متون بر اساس روش تحلیل مضمون

ردیف	گزاره‌های استخراج شده از متون	تحلیل متن	مضامین پایه
۱	-اعضای حرفه مختلف همواره در معرض آزمون سختی قرار دارند: قرار گرفتن در جایگاه حرفه‌ای و اقدامات آن در رابطه با خدمات ارائه شده به دیگران مورد سنجش قرار گیرد. در واقع وجهی اجتماعی فعالیت‌های حرفه‌ای که در راستای پیگیری منافع گروهی است، عمدتاً با معیار منافع جمعی مورد آزمون و سنجش قرار می‌گیرد. - تصمیم‌گیری‌های ما براساس منافع جامعه، امنیت عمومی و محیطی است.	اجتماعی-دیگردوستی دیگردوستی	توجه به منفعت عموم
۲	-توریک ^{۸۳} حرفه‌ای مرتبط با خدمات اجتماعی و دیگرخواهی می‌تواند عاملی مهم در شکل‌دهی و تنظیم کاربست‌های حرفه فردی باشد، اما این جنبه‌ی اجتماعی باید در راستای مشروعیت‌بخشی به حرفه باشد و نمی‌تواند هم‌چون قانونی برای حرفه عمل نماید. -ما در برنامه‌ها و پروژه‌ها با گروه‌های مقابل با حسن نیت و بر مبنای اصول حرفه خود مذاکره می‌کنیم.	اجتماعی-دیگردوستی دیگردوستی	روحیه‌ی دگرخواهی-رقابت‌طلبی از طریق توانمندی حرفه‌ای
۳	-برنامه‌ریزی شهری به لحاظ زیبایی‌شناسی باید محیطی مطلوب برای مردم فراهم کند که به معنای تعهد برنامه-ریزان شهری برای فراهم کردن چنین محیطی برای همه و نه تنها افراد دارای امتیاز ویژه است. به این دلیل است که برنامه‌ریزی شهری و برنامه‌ریزان شهری می‌بایستی توجه ویژه به محیط زندگی آن دسته از مردم که در محرومیت به سر می‌برند و محیط محلی‌شان کیفیت چندانی ندارد، داشته باشند. به بیانی دیگر انسجام و منطق درونی و نه دلخواهانه‌ی کدهای اخلاقی برنامه‌ریزی، این حرفه را به سمت کیفیت محیطی و ایجاد فرصت‌های برابر در این زمینه سوق می‌دهد.	سیاسی-دیگردوستی	تعهد-عدالت-انصاف
۴	-در ارتباط با اخلاق حرفه‌ای برای برنامه‌ریزی شهری، فرآیند دست‌یابی به اهداف برنامه‌ریزی شهری باید گشوده و دمکراتیک ^{۸۴} باشد. افرادی که در معرض تغییرات ناشی از اهداف برنامه‌ریزی هستند باید درباره‌ی تغییرات اظهار نظر کنند.	سیاسی	دموکراتیک
۵	-توجه به موضوع عدالت در برنامه‌ریزی با قضاوت اخلاقی مبتنی بر موقعیت گره خورده است و این برخلاف نظر رالز است که به موضوع عدالت وظیفه‌گرایانه نگاه می‌کند نه مبتنی بر موقعیت.	سیاسی-دیگردوستی	قضاوت مبتنی بر موقعیت ^{۸۵}
۶	-برنامه‌ریز شهر پیش‌نویس پیشنهادی طرح کنترل آلودگی را در نماینده گروه محیط زیستی قرار می‌دهد که هیچ‌گونه سیاست‌سازمانی در مورد انتشار چنین اطلاعاتی وجود ندارد.	سیاسی	انتشار پیشنهادات پیش‌نویس برنامه طبق درخواست ^{۸۶}

ردیف	گزاره‌های استخراج شده از متون	تحلیل متن	مضامین پایه
۷	-برنامه‌ریز شهری که طرفدار ایجاد سیستم حمل و نقل منطقه‌ای کم‌هزینه و با دسترسی بالا برای فقرا است، تخمین‌ها را برنامه‌ریزان مخالف کرایه پایین را دستکاری می‌کند تا در آن میزان بازده/شدت استفاده از سیستم را بالا نشان دهد.	سیاسی-فنی	تحریف اطلاعات ^{۸۷}
۸	-مدیر برنامه‌ریزی منطقه‌ای تهدید می‌کند در صورتی که مقامات محلی از برنامه مدیریت رشد منطقه‌ای حمایت نکنند، با استفاده از اختیارات A-95 سازمان، مجاز به رد کردن پروژه‌های محلی است.	سیاسی-فنی	تهدید ^{۸۸}
۹	-برنامه‌ریز شهری تعیین شده برای کار در محله‌ای با درآمد پایین، بدون مجوز، اطلاعات را جهت انجام پژوهش توسط یک سازمان برنامه‌ریزی دیگر، در اختیار رئیس سازمان محلی قرار می‌دهد.	سیاسی-فنی	افشای اطلاعات ^{۸۹}
۱۰	-برنامه‌ریزان حومه‌ای ^{۹۰} تصمیم می‌گیرند که از مردم محلی حمایت کنند تا مقامات حومه را جهت تغییر سیاست منطقه‌بندی انحصارگرا نه اجتماع، تحت فشار قرار دهند.	سیاسی	سازماندهی ائتلاف پشتیبان، برای تحت فشار قرار دادن ^{۹۱}
۱۱	-برنامه‌ریز اقتصادی که در ابتدا از جنبه‌های فنی طرح پیشنهاد شده توسط شرکت توسعه اجتماعی، انتقاد می‌کند، اما بعداً با سفارش مدیر پشتیبانی، طرح را به کمیسیون پیشنهاد می‌کند.	سیاسی	تغییر قضاوت فنی به دلیل اعمال فشار ^{۹۲}
۱۲	-مدیر برنامه‌ریزی برای ایجاد یک جو بحرانی درباره آلودگی و خطرات سلامتی آبراهه‌های شهری، کمپینی را راه‌اندازی می‌کند و با برگزاری کنفرانس‌های مطبوعاتی در کنار آلوده‌ترین آبراهه‌های شهری، در پی پوشش رسانه‌ای آن است.	اجتماعی-سیاسی	دراماتیک جلوه دادن (غلوآمیزی) مساله برای غلبه ^{۹۳} بر بی تفاوتی
۱۳	-برنامه‌ریز ناحیه‌ای، بدون مجوز، به یک گروه شهروندی که به دنبال لغو تصمیم منطقه‌بندی مجدد ناحیه‌ای در دادگاه هستند و کارکنان برنامه‌ریزی ناحیه‌ای مخالف آن هستند، اطلاعات و مشاوره می‌دهد؛ در حالی که این منطقه‌بندی مجدد، به شرکت نفت اجازه می‌دهد که پالایشگاهی در زمین ساحلی بزرگ و پوشیده از درخت بسازد.	سیاسی	کمک به گروه برای لغو یک عمل برنامه‌ریزی رسمی ^{۹۴}
۱۴	-به انسان، به‌عنوان یک موجود صاحب خرد و شگفت‌انگیزترین پدیده‌ی آفرینش بیندیشم، صدیق و واقع بین باشم.	دیگر دوستی	صداقت و واقع بینی
۱۵	-ایران زادگاه من است که در آن زاده و پرورده شده‌ام، کوشش خواهم کرد که دین خود را به سرزمینم، مردمانم، نیاکامم و آیندگان ادا کنم.	دیگر دوستی	حس وطن پرستی

ردیف	گزاره‌های استخراج شده از متون	تحلیل متن	مضامین پایه
۱۶	سرمایه‌های هستی چون ماده، انرژی، محیط زیست و نیروی کار را سرمایه‌های تمام بشر دانسته، در حفظ، کاربرد درست و بهسازی آنها کوشش نمایم.	دیگر دوستی	توجه به حفظ سرمایه‌های متعدد هستی
۱۷	در تمام فعالیت‌های مهندسی خود دقت، نظم، سرعت عمل را مراعات نمایم و رشوه‌خواری و سایر رذائل اخلاقی را طرد نموده و برای زحمات خود ارزش مادی‌ای در حد معقول و متعارف طلب کنم.	دیگر دوستی - سیاسی	دقت - نظم - قانونمندی - سرعت عمل - طرد رذایل اخلاقی همچون رشوه‌خواری - ترجیح خدمت بر درآمد
۱۸	در تمام کوشش‌های مهندسی خود از دانش روز و آخرین یافته‌های علمی و فنی آگاه شوم و آنها را با ابتکار، خلاقیت و نوآوری در طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا به کار بندم.	فنی	نوآوری و خلاقیت
۱۹	در انجام وظایف حرفه‌ای محوله، فردی متعهد، مسئولیت پذیر، مشارکت پذیر و رازدار باشم. - ما مسئولیت هرگونه مسائلی که ناشی از اشتباه و یا غفلت مان باشد را می‌پذیریم. - ما از اطلاعات اختصاصی یا محرمانه سپرده شده، محافظت می‌کنیم.	دیگر دوستی سیاسی	تعهد - مسئولیت پذیری - مشارکت پذیری - دلبستگی به کار - اعتماد - امانتداری
۲۰	در کوشش‌های مهندسی خود همیشه فردی متواضع باشم و نیز جویا و پذیرای نقد و اظهارنظر بوده، و برای همکاری گروهی و نقش دیگران ارزش قابل باشم و از لطمه زدن به حیثیت، شهرت، دارایی یا اشتغال دیگران پرهیز کرده از اقدامات بدخواهانه برای آنان خودداری کنم.	سیاسی دیگر دوستی	تواضع - انتقادپذیری - طرد اقدامات بدخواهانه نسبت به دیگران - احترام
۲۱	محیطی پر از محبت و صفا و عشق و علاقه به خدمتگزاری بی ریا به مردم و وطنم را به وجود آورم و ارزش‌های انسانی را در خود پرورش دهم.	دیگر دوستی	مردم سالاری
۲۲	در تمام کوشش‌های مهندسی خود استانداردهای حرفه‌ای را مراعات نموده و تنها در حیطه‌ی دانش و توانایی خود کار قبول کنم و تنها مدارکی را امضاء نمایم که به آنها احاطه فنی کامل دارم. در مواردی که منع قانونی و حق مالکیت اختصاصی وجود ندارد، دانش خود را آزادانه و به صورت رایگان منتشر نموده و در اختیار دیگران قرار دهم. - ما فقط آن تکالیفی را می‌پذیریم که با سابقه، تجربه و مهارت ما سازگار هستند.	فنی - دیگر دوستی	پیوند نظر و عمل - شایسته سالاری - وجدان حرفه‌ای

منبع: (Howe and kaufman, 1979) و (Campbell, 2012) و (Taylor, 1992) و (Project Management Institute (PMI) و (متن سوگندنامه نظام مهندسی ساختمان)

پی نوشت

- | | |
|--------------------------|-----------------------------------|
| 1-Post- positivism | 7-Positivism |
| 2-Theory of planning | 8-Rational comprehensive planning |
| 3-Participatory approach | 9-Quantitative models |
| 4-Post- modernity | 10-Habermass |
| 5-Neo-pragmatism | 11-Cohen |
| 6-Modernity | 12-Foucault |

توسعه پایدار محیط جغرافیایی

13-Adorno	16-Disciplinary
14-Methodological rules	17-Wisdom
15-Modern ideas	
	۱۸-در این ارتباط نگاه کنید به: پایا، علی (۱۳۹۵)، فلسفه تحلیلی از منظر عقلانیت نقاد، طرح نقد، تهران، صص ۵۰۸-۵۱۱.
19-Sophistication	24-Ethical content
20-Exponential	25-Planning practice
21-Practice	26-Commonly held behavioral norms
22-Cautious surgeons	27-American Planning Association (APA)
23-Public interest	
	۲۸-در حقیقت هنجارهای رفتاری متأثر از ارزش‌های تعریف شده در برنامه‌ریزی هستند که به دو گروه ارزش‌های قطعی و نسبی تقسیم می‌شوند. در ارزش‌های نسبی اساساً بر نقش برنامه‌ریزان
29-Contestation	49-Politically oriented
30-Bureaucratic practices	50-Hybrids
31-Ethical judgments	51-Role orientation
32-Administrative discretion	52-Careerist
33-Public welfare	53-Pretenders
34-Moral implications	54-Professional ethics
35-Obligations	55-Social value
36-Knowledge and competence	56-Occupation of planning
37-Loyalty	57-Practicing
38-Virtue	58-Client-serving
39-Policy	59-Equality
40-Explosive	60-Democracy
41-Prescriptions	61-New power relationships
42-System sustaining	62-Epistemological gap
43-System challenging	63-Social-spatial development
44-Efficiency	64-Eclecticism
45-Structure of ethical choice	65-Common interests
46-Normative basis	66-Participation
47-Technical integrity	67-Self-discipline
48-Technically oriented	68-Protestant work ethic
	۶۹-منظور از داده‌های ذهنی در اینجا تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی است.
70-Thematic Analysis	85-Situated Judgment
71-Template Analysis	86-Release draft recommendation on request
72-Thematic Network	87-Distort information
73-Thematic Matrix	88-Threat
74-Comparative Analysis	89-Leak information
75-Basic Thematic	90-Suburban planner
76-Responsibility	91-Organize coalition of support to induce pressure
77-Respect	92-Change technical judgment due to pressure
78-Fairness	93-dramatize problem to overcome apathy
79-Honesty	94-assist group overturn an official planning action
80-Credibility	95-Dilemma
81-Codes of professional ethics	96-Quandary ethics or problem oriented ethics
82-Ethical prescriptions	97-Problematic
83-Rhetoric	
84-Open and democratic	

منابع

- ادریسی، الف، رحمانی خلیلی، الف. و حسینی امین، ن، ۱۳۹۰. بررسی و تبیین اعتماد اجتماعی از رویکرد نظریه ساخت یابی گیدنز، راهبرد اجتماعی و فرهنگی: (۱)، صص ۹-۳۲.
- / <http://ensani.ir/fa/article/344465>
- پایا، ع، ۱۳۹۵. فلسفه تحلیلی از منظر عقلانیت نقاد، نشر طرح نقد، چاپ اول، تهران، ۹۹۲ ص.
- چلبی، م، ۱۳۷۵. جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، نشر نی، چاپ اول، تهران، ۳۵۸ ص.
- چلبی، م، ۱۳۸۹. جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، نشر نی، چاپ پنجم، تهران، ۳۶۴ ص.
- چلبی، م، ۱۳۹۴. تحلیل اجتماعی در فضای کنش، نشر نی، چاپ سوم، تهران، ۳۳۲ ص.
- خداوردی، ح، ۱۳۸۷. متدولوژی پژوهش کیفی، ره آورد سیاسی: (۲۱)، ص ۴۱-۶۲.
- / <http://ensani.ir/fa/article/220642>
- دانشپور، ز، ۱۳۸۲. درآمدی بر پایه‌های نظری و گونه‌بندی نظریه‌های برنامه‌ریزی با تاکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری، هنرهای زیبا: (۱۵)، ص ۴۲-۵۷.
- / https://journals.ut.ac.ir/article_10629.html
- Abend, G., 2013. "What the Science of Morality Doesn't Say About Morality", *Philosophy of the Social Sciences*: 43(2), p.157-200.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0048393112440597>
- Allmendinger, P., 2001. *Planning in Postmodern Times*, London: Routledge.
- Allmendinger, P., 2002. "Towards a postpositive typology of planning theory", *Planning Theory* 1 (1), p. 77-99.
<https://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.195.4679&rep=rep1&type=pdf>
- Allmendinger, P., and Tewdwr-Jones, M., 2002. "New labour, new planning? The trajectory of planning in Blair's Britain", *Urban Studies*: 37(8), p.1379-1402.
<https://journals.sagepub.com/doi/10.1080/00420980020080171>
- Campbell, H., 2006. "Just Planning The Art of Situated Ethical Judgment", *Journal of Planning Education and Research*: 26, p. 92-106.
<https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/0739456X06288090>
- Edmund, P., 1971. "Quandary ethics", *Mind*, 320, p. 552-571.
- Faludi, A., 1987. *A Decision Centred View of Environmental Planning*. Oxford: Pergamon.
- Feldman, M.M.A., 1996. "Science in Planning Theory and Planning: A Regulation Approach", *Planning Theory*: 15, p.78-90.
- Furnharn, A., 1987. "Predicting protestant work ethic beliefs", *European Journal of Personality*: 1, p. 93-106.
<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/per.2410010204>
- Goulet, D., 2006. *Development Ethics at Work*, Routledge, New York, 292 p.
- Gunder, M., 2006. "Sustainability: Planning's saving grace or road to perdition?" *Journal of Planning Education and Research*: 26(2), p. 208-221.
<https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/0739456X06289359>
- Howe, E. and Kaufman, J., 1979. "The Ethics of Contemporary American Planners", *Journal of the American Planning Association*: 45(3), p. 243-255.
<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/01944367908976965>
- Jones Jr, H., 1997. "The Protestant Ethic: Weber's Model and the Empirical Literature", *Journal of Human Relations*: 50, p. 757-778.
https://www.deepdyve.com/doc-view?docId=10.1177/001872679705000701&fieldName=journal_doi&affiliateId=sage

- Kaspar, D., 2015. "How We Decide in Moral Situations", *Philosophy*: 90 (1), p. 59-81. https://www.researchgate.net/publication/271745912_How_We_Decide_in_Moral_Situations
- Lauria, M. and Long, M., 2017. "Planning Experience and Planners' Ethics, *Journal of the American Planning Association*", v. 83, p. 202-220. [https://arch.pg.edu.pl/documents/18196798/0/Planning%20Experience%20and%20Planners%20Ethics%20\(1\).pdf](https://arch.pg.edu.pl/documents/18196798/0/Planning%20Experience%20and%20Planners%20Ethics%20(1).pdf)
- Maguire, M. and Delahunt, B., 2017. "Doing a Thematic Analysis: A Practical, Step-by-Step Guide for Learning and Teaching Scholars", *Journal of Teaching and Learning in Higher Education*: 9, p. 3350- 33514.
- Marcuse, P., 2014. "A Just Code of Ethics for Planners; A Priority for Planners Network", *Journal of Progressive Planning*: 198, p.16-19. http://www.plannersnetwork.org/wp-content/uploads/2014/04/PPM_W14_Marcuse.pdf
- Marcuse, P., 1976. "Professional Ethics and Beyond: Values in Planning", *Journal of the American Institute of Planners*: 42, p. 264-274. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/01944367608977729>
- Ploger, J., 2004. "Ethics in Norwegian planning: legitimacy, ambivalence, rhetoric", *Journal of Planning Practice & Research*: 19, p.1-16. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/0269745042000246577>
- Sadri, H., 2012. "Professional Ethics in Architecture and Responsibilities of Architects towards Humanity", *Turkish Journal of Business Ethics*: 5, p. 86-96.
- Sanyal, B., 2002. "Globalization, ethical compromise and planning theory", *Journal of Planning Theory*: 1(2), p. 116-123. <https://www.jstor.org/stable/26001793>
- Taylor, N., 1992. "Professional Ethics in Town Planning: What Is a Code of Professional Conduct For", *Journal of the Town Planning Review*: 63, p. 227-241. <https://www.proquest.com/scholarly-journals/professional-ethics-town-planning-what-is-code/docview/1302102610/se-2>
- www.pmi.org
- Wachs, M., 1985. *Ethics in Planning*, Rutgers, The State University of New Jersey, 336 p.